



سخنرانی در دیدار فرماندهان و مسؤولان سازمان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - 2 / بهمن / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیز، فرماندهان زحمتکش و خدوم و کوشنده‌ی نیروی انتظامی و مسؤولان عزیز عقیدتی، سیاسی این نیرو! خیلی خوش آمدید. امیدوارم که خداوند متعال شما را در هر نقطه‌ی از این مجموعه‌ی عظیم و کارآمد که قرار دارید و هر مسؤولیتی که پذیرفته‌اید، موفق به انجام هرچه بهتر وظایف خطیرتان بفرماید. می‌شود گفت و دانست که امروز نیروی انتظامی، یک نهاد انقلابی است؛ مجموعه‌ی است که انقلاب آن را خواسته و به وجود آورده است؛ طبعاً توقعات انقلابی هم از این مجموعه‌ی عظیم می‌رود. وقتی ما تشکیلات و مجموعه‌ی را نهاد انقلابی دانستیم، این بدان معناست که توقعات متناسب با وضع انقلابی - که طبعاً خصوصیات خود را دارد - از آن مجموعه داریم؛ امروز بحمدالله نیروی انتظامی این‌گونه است.

فراتر از تفکیک مسؤولیتها و مأموریتها و جدایی بین بخشهای مختلف، مأموریتی هست که آن مأموریت، مسأله‌ی اساسی است. برای انجام آن مأموریت، نیروی انتظامی و روحانیون محترمی که در این نیرو مشغول انجام خدمتند، همه باید مجتمعاً و مشترکاً کار کنند. آن مأموریت، عبارت است از حفظ امنیت اسلامی در محیط جامعه؛ این اساسیترین کار نیروی انتظامی است؛ کار بسیار بزرگی هم هست.

شنیده‌اید که: «نعمتان مجهولتان الصّحة والأمان». (1) این کلام، چه کلام حکما باشد، چه کلام اولیا باشد، امنیت را عدل سلامتی و صحت قرار داده است؛ این خیلی مهم است. در قرآن از این بالاترش هست؛ آن جایی که در سوره‌ی قریش می‌فرماید: «فلیعبدوا ربّ هذا البیت»، (2) بعد می‌فرماید: «الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف»؛ (3) یعنی نجات از گرسنگی را، با نجات از ناامنی در کنار هم قرار داده است.

شما ببینید در هر کشور چه قدر از قوا و تحرکات و تلاشها و نیروهای باطنی یک نظام دولتی صرف می‌شود، برای این که این ملت از گرسنگی نجات پیدا کند؛ یا چه قدر از تلاشها بسیج می‌شود، برای این که این ملت از بیماری و بلاهای جسمانی نجات پیدا کند؛ عدل آنها باید برای نجات از ناامنی صرف شود. البته ناامنی، شقوق گوناگون و عوامل مختلفی دارد؛ یکی از اهم آنها، همین ناامنی در خیابانها و کوچه‌ها و شهرها و روستاها و جاده‌ها و بیابانها و سرتاسر کشور است، که باید با این مبارزه کرد. چه موقع می‌شود درست مبارزه کرد؟ آن وقتی که دیندار و پایبند به اصول بود. اگر دینداری و پایبندی به اصول نباشد، پای امنیت هم بشدت می‌لنگد. حتی پلیسهایی که در دنیا به انضباط معروفند، اگر آن قید معنوی، آن حاکم درونی، آن احساسی که بر همه‌ی وسوسه‌ها غلبه دارد، در آنها نباشد، کارایی نخواهند داشت. آن احساس چیست؟ بعضیها از میهن‌دوستی، از احساسات ناسیونالیستی، یا احساسات تشکیلاتی و سازمانی استفاده می‌کنند؛ لیکن واضح شده است که همه‌ی اینها در جاهایی لنگ می‌مانند. آن احساسی که همه جا بُزایی خودش را دارد، احساس دینی و احساس حضور در مقابل پروردگار عالم است. هر جا هستیم؛ چه در مرکز این تشکیلات در تهران و در فلان اتاق باشیم، چه در فلان پاسگاه دورافتاده‌ی گوشه‌ی کشور در معرض تهاجمها باشیم، این احساس حضور الهی لازم است، تا انسان کارایی و احساس قدرت پیدا کند و احساس خستگی نکند.

از این جا کار برادران عقیدتی، سیاسی روشن می‌شود. همه‌ی تلاشهای عقیدتی، سیاسی مقدمه است، برای این که این احساس حضور در پیشگاه الهی و این روح دیانت در یکایک افراد به وجود بیاید؛ یعنی جهتگیری این است. ما باید درسها و تلاشهای فرهنگی و کلاسها و گزینشها را - این چیزهایی که غالباً در مجموعه‌ی کارها می‌گنجد - با این معیار بسنجیم و ببینیم که آیا این افراد را به خدا نزدیک می‌کند؛ آیا این احساس حضور را در دل آنها زنده می‌کند، یا نمی‌کند؟ اگر کرد، خوب است؛ والا فلا.



البته آقایان روحانیون عزیز ما می‌دانند و باید دائماً توجه داشته باشند که عمل، بیش از زبان کارایی دارد. بهترین گویندگان و شیرین‌زبان‌ترین معلمان و واعظان و بیان‌کنندگان، اگر عملشان بلندگد، همه‌ی این شیرین‌زبانیها نقش بر آب خواهد شد. ما باید عملمان را درست کنیم. معیارها، همان بلندنظری، طهارت، بی‌اعتنایی به ما فی‌ایدی الناس و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و به بیش از آنچه که برحسب قواعد اجتماعی به ما تعلق می‌گیرد، صلابت در بیان و اجرای حقایق و سست نشدن و نلرزیدن دست و پاست.

این انقلاب عظیم ما، این جمهوری مستحکمی که بحمدالله به وجود آمده، این جایگاه رفیعی که امروز جمهوری اسلامی در دنیای سیاست به دست آورده، این آبرویی که امروز اسلام به برکت جمهوری اسلامی به دست آورده، اینها کارهای معجزه‌آسایی است. این کارهای معجزه‌آسا، با زبان و با تبلیغ و با جانم و عزیزم و با زور نمی‌شد. اگر امام بزرگوار که قائد این کاروان بود، حرف او منطبق با رفتارش نمی‌بود، امکان نداشت؛ منتها آن بزرگوار چیزی را نگفت، مگر آن که عمل کرد؛ و عمل کرد، بیش از آنچه که گفت؛ و در عمل شخصی و جمعی، مثل کوهی بر سر مواضع اعلام شده‌ی خود ایستاد.

اصل اسلام هم همین‌طور بود. از یکی از همسران رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) پرسیدند که اخلاق رسول خدا را برای ما توصیف کن؛ او در جواب گفت که «کان خلقه القرآن»؛ (4) اخلاق او قرآن بود. یعنی هرچه شما در قرآن راجع به روش و عمل و رفتار و خلیقات یک انسان به صورت مستحسن و خوب و پسندیده می‌خوانید، او در وجود آن بزرگوار مجسم و متبلور بود. همین هم شد که آن حرکتی که او آغاز کرد، آن گویی که او در فضای تاریخ پرتاب نمود، هنوز دارد با شدت پیش می‌رود. هنوز ما و همه‌ی مسلمین عالم داریم از برکات آن دست‌معنوی و معجزنشان که چهارده قرن و اندی پیش آن را حرکت داد، پیش می‌رویم.

اخلاق ما باید طبق آن چیزی باشد که می‌گوییم و به آن دعوت می‌کنیم؛ «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»؛ (5) یعنی «باعمالکم». اگر ما به زخارف دنیا بی‌اعتنا بودیم، اگر ما در آن راههایی که به آن معتقدیم و داعی و مبلغ آن هستیم، قدم ثابت گذاشتیم، اگر ما پایبندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده می‌شود، اثر خواهد کرد؛ آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود؛ بلکه نفس‌جاذبه‌ی عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هماوایی وادار خواهد کرد.

من باید عرض کنم که انتظار امنیت اسلامی، انتظار زیادی از این نیرو نیست. ما وضعی را در نیروی انتظامی کشور داریم که از اول تاریخ نیروی انتظامی تا امروز، بی‌سابقه است. از اولی که در این کشور ژاندارمری و شهربانی به وجود آمد، تا امروز که ما بحمدالله نیروی انتظامی یکپارچه و فراگیر داریم، وضعیتی که امروز نیروی انتظامی ما از لحاظ خوب بودن و مثبت بودن دارد، در هیچ زمانی نداشته است. هیچ وقت نیرو، فرماندهی به این خوبی، و فرماندهانی در این حد نداشته است. هیچ وقت نیروهای انتظامی، جمعیتی به کم و کیف جمعیت فعلی نداشتند. هیچ وقت نیروهای انتظامی، مقبولیتی به قدر امروز در میان مردم نداشتند. در دوره‌های گذشته، نیروهای انتظامی در بین مردم مقبولیت چندانی نداشتند. کسانی که در نیروهای انتظامی - یعنی ژاندارمری و شهربانی - از سالهای طولانی سابقه دارند، می‌دانند که من چه عرض می‌کنم و نظر مردم نسبت به نیروهای انتظامی چگونه بود. امروز نیروی انتظامی از مقبولیت بین مردم برخوردار است. مردم این لباس شما را دوست می‌دارند و به آن احترام می‌کنند. همه‌ی اینها نعم الهی است؛ اما اگر شما کار را رها کنید و آن وظایف را با استحکام لازم انجام ندهید، این‌گونه نمی‌ماند.

از تشکیل بنای جدید نیروی انتظامی مدتی می‌گذرد و مردم به چشم انتظار دارند نگاه می‌کنند؛ می‌خواهند ببینند این مجموعه که به نظر آنها محسنات زیادی هم دارد و از مسؤولان و کسانی که مردم حرفشان را قبول دارند، تعریفش را هم زیاد شنیده‌اند، حالا چه کار خواهد کرد؛ آیا آن اطمینان لازم را در دل آحاد شهروند به وجود خواهد



آورد یا نه؟ این، یکی از اسرار پیشرفت نیروی انتظامی است.

یکایک شهروندان باید از ته دل به نیروی انتظامی اعتماد و اطمینان داشته باشند؛ یعنی مثلاً وقتی دکانش را می‌بندد، اگر نگران باشد، بگوید مأمور نیروی انتظامی هست؛ اگر به مسافرت می‌رود و خانه‌اش را می‌گذارد، بگوید نیروی انتظامی هست؛ اگر سوار اتومبیلی می‌شود تا جایی را ترک کند و به جای دیگری در بیابانها برسد، بگوید نیروی انتظامی هست. هر مشکل مربوط به امنیت که برای او پیش می‌آید - اگر گفتند دزد آمده، اگر گفتند متخلفان در خیابان پیدا شده‌اند، اگر گفتند کسانی آبروی مردم را تهدید می‌کنند، اگر گفتند کسانی مواد مضره تقسیم می‌کنند، اگر گفتند کسانی به نوامیس مردم تعرض می‌کنند - در دلش شمع امیدی روشن باشد که بالاخره نیروی انتظامی هست. مردم باید به نیروی انتظامی، مثل یک صاحب امنیت و مدار امنیت نگاه کنند؛ شما باید این را به وجود بیاورید.

در جامعه‌ی اسلامی اجازه داده نمی‌شود و نباید داده بشود که در ملأ عام، کسانی به حیثیت‌های دینی مردم اهانت کنند و آن را هتک نمایند. چه مرکزی باید جلوی اینها را بگیرد؟ نیروی انتظامی. در جامعه‌ی اسلامی اجازه داده نمی‌شود و نباید داده بشود که از مقررات زیستی و شهری و روستایی و صحرایی جمهوری اسلامی تخلف انجام بگیرد؛ کسانی فضا را مخدوش کنند و سلامت فضا را از بین ببرند. چه مرکزی باید جلوی اینها را بگیرد؟ نیروی انتظامی. در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی، هر آنچه که طبق قوانین شرعی و قوانین مجلس شورای اسلامی و مقررات رایج کشور، در بخش آشکار زندگی مردم - خفا، کار دیگران است - ممنوع است و مجاز نیست که تحقق پیدا کند، اگر دیده شد، دست قوی و قدرتمندی باید بیاید و جلوی این قانون‌شکنی را بگیرد. آن چیست؟ دست نیرومند نیروی انتظامی. نیروی انتظامی محبوبیت خود را باید در چه چیزی به دست بیاورد؟ در قاطعیت بر اساس قانون و بر اساس همان چیزی که در مقررات از او طلب شده است؛ نه در ملاحظه‌ی کسی، ملاحظه جمعی، رعایت میل قشری یا گروهی؛ ابداً. اگر چنین کاری بشود و چنین رعایت‌های خارج از قانونی انجام بگیرد، تخلف شده است. تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند، عبارت است از رعایت قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون. البته در اجرای قانون، دو گونه می‌شود عمل کرد: یکی با بداخلاقی و کج خلقی و عبوس بودن و تکبر و نخوت و امثال اینها؛ یکی هم با خوش اخلاقی و مهربانی، اما با قاطعیت. این نوع دوم باید معمول باشد؛ اعمال قاطعیت، باضافه‌ی اخلاق خوب. گاهی به این جا تلفن می‌کنند، یا نامه می‌نویسند و شکایت می‌کنند که سر فلان محله، کسانی پیدا شده‌اند که به نوامیس مردم تعرض می‌کنند. ما در این امور به کجا مراجعه خواهیم کرد؟ به شما؛ معلوم است که وظیفه‌ی شماست. گاهی تلفن می‌کنند، شکایت می‌کنند که مثلاً فلان خانه را به محل فساد تبدیل کرده‌اند و نمی‌گذارند استراحت کنیم و بخوابیم؛ سر و صدا و های و هوی راه می‌اندازند و از لحاظ اخلاقی، ناامنی ایجاد می‌کنند. ما واقعاً در این گونه امور به کجا باید مراجعه کنیم؟ به نیروی انتظامی. گاهی شکایت می‌کنند که افرادی می‌آیند و موادی را در فلان کوچه توزیع می‌کنند، یا خرید و فروش انجام می‌دهند. در این گونه موارد ما به کجا باید مراجعه کنیم؟ به نیروی انتظامی.

فراموش نکنید که معیار، جامعه‌ی اسلامی و انقلابی است. اگر جامعه‌ی اسلامی و انقلابی نیست، نیروی انتظامی حساسیت‌های مناسب آن جامعه را دارد؛ اما در جامعه‌ی که معیار و ملاک اسلام است، حساسیت نیروی انتظامی باید متناسب با آن چیزی باشد که در این جامعه مورد نظر است. حساسیت‌های این جامعه چه چیزهایی است؟ حفظ و حراست و عمل بر طبق این حساسیت‌ها، بدون هیچ ملاحظه‌ی، به شما که نیروی انتظامی هستید، برمی‌گردد. این کار سخت و سنگینی است، اما کار بسیار مؤثری است.

ناامنی فقط به این نیست که دزد به خانه‌ها یا مغازه‌ها یا بازار یا خیابان بیاید - این یک‌طور ناامنی است؛ ناامنی مالی است - ما ناامنی عرضی و ناموسی هم داریم؛ جلوی آن را هم شما باید بگیرید. ناامنی اخلاقی هم داریم؛ در



آن جا هم شما باید وارد میدان بشوید. البته ناامنی اخلاقی، يك مرحله‌ی کار فرهنگی دارد، يك مرحله‌ی کار مخفی دارد، يك مرحله‌ی ریشه‌یابی دارد؛ آنها کار دستگاههای دیگر است؛ اما آن جایی که جلوی چشم قرار می‌گیرد و موجب عدم امنیت اخلاقی جامعه می‌شود، آن که باید وارد میدان بشود، نیروی انتظامی است.

نباید کاری بشود که کسی بگوید بعد از ادغام نیروهای انتظامی، این حساسیتها کم شده؛ در سابق مثلاً ارگانی مخصوص این کارها بود، اما حالا نه. البته این گونه نیست؛ لیکن اگر کم حساسیتی نشان داده بشود، ممکن است این حرفها را بزنند. این حرفها خطا و غلط است؛ کشور به این ادغام احتیاج داشته، مجلس تصویب کرده، وزیر فعال و کوشایی دنبال نموده و مأمورانی بحمدالله با علاقه آن را انجام داده‌اند. امروز نیروی انتظامی هم يك نیروی بسیار خوب، آبرومند و قدرتمند است؛ لیکن کارایی آن بایستی در همه‌ی میدانها به اثبات برسد.

برادران! ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملتها قرار بگیرد. می‌بینید که در این کشورهای مسلمان، که جبهه‌های اسلامی و جناحهای اسلامی، احساسات خودشان را بروز می‌دهند، دشمنان اسلام چه حساسیتی نشان می‌دهند و چه طور از همه‌ی وسایل برای سرکوب این احساسات استفاده می‌کنند. طرفداران اسلام بایستی بتوانند اسلام را در چشم آنها آن چنان شیرین و پُر جاذبه نشان بدهند که احساسات آنها هرگز به سردی نگراید و این امید در دل آنها باقی بماند؛ و این نمی‌شود، مگر این که جامعه‌ی ما از لحاظ مادی، از لحاظ معنوی، از لحاظ نظم، از لحاظ امنیت، از لحاظ تلاشهای اجتماعی و از لحاظ همه‌ی اندازه‌ها و میزانهایی که در يك جامعه‌ی پیشرفته مورد نظر است، پیشگام باشد؛ یکی از آنها هم همین کار شماست، که کار نیروی انتظامی است.

امیدواریم که ان شاءالله خداوند به شما توفیق بدهد و تأییدتان کند. شما برادران عزیز در هر جا که هستید، سعی کنید این محبت و هماهنگی و همگامی را در همه‌ی سطوح حفظ کنید و در انجام هر چه بهتر وظیفه‌ی مهمی که بر دوش دارید، به یکدیگر کمک نمایید. امیدواریم که ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنافاده) شامل حال شما باشد و قلب مقدس امام و روح مطهر شهدا ان شاءالله از همه‌ی ما راضی باشد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

1) امثال و حکم، ج 4، ص 1818

2) قریش: 3

3) قریش: 4

4) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 340

5) مشکاة الانوار، ص 46